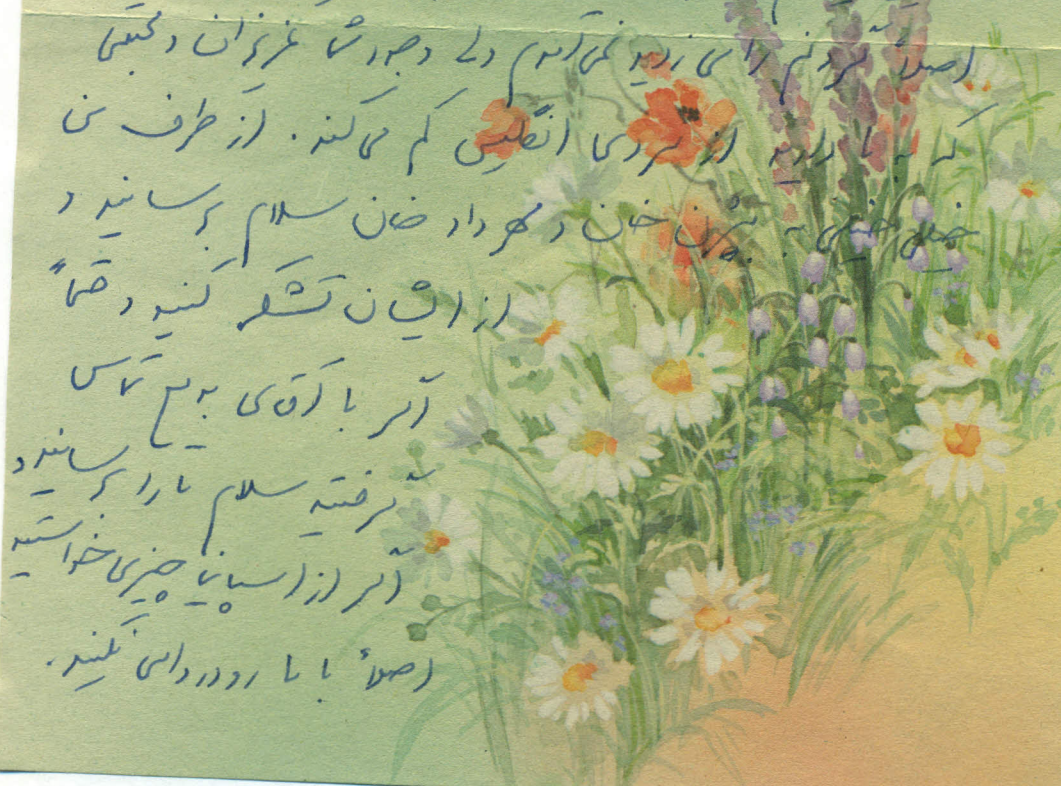


قل از هر چه امید دارم که تبلی من را در دنیا نهی
 بخسید ز راستی از دمی که از نین آمم هوای خواستم
 بر آیین زه بریم و ماهی نشسته حلال از طرفی دلم خار
 سافرت هم بدم به قلش در صفت از صبر است که در بکنی

در غایت قدری بدم البته به علت کار
 من چون زاده از انظیس کا خستم نه ای ز یاد طرفدار آید
 انظیس نیستم در لاکر اما دایه ای نه از سرق در آن آبی نبودن



اصلا نبردیم را ای زه ای که ایام
 که ما را دریم از سر دایه انظیس کم می کنند از طرف من
 خنجر خنجر به چوین خان در مورد رضن سلام بر کسند
 از این تشنه کنید دقتاً
 آرزو با آنکه بیام آس
 رفیق سلام تا را که بشنود
 آرزو از اسپانیا چیزی خواستند
 اصلاً با ما درد در ای کشند

با باا در مان هم در ناس هستم و ضرب هسته و باا
نهایه در بالا رفتن سن در سال حوصله شن را که سر به
خوب زنده قلم را می دم دست فرها که در بازم از زحمتان شکر
می کنم. خدایه در این . قره تن فرزند ۲، ۱۲، ۹۱

با اردو زاران خدمت شمار آتایان برین و برادر
اریدارم به معائن خوب و خوش رسالت باشد -
پیر راه آتایا به مع اینر بیعت به ام رسانم
حلقه به فرزند سعد زنده ای نایه به زحمت
را تقم سرد آتایان هم معینه همه ای رسان را برای
معمی ارب به ام - فرزند بیدار برکتی از نین
نزد محبت شمار آتایان برین و برادر همی تر نیکو
اریدارم به معینه به آتایان همه تا تبیانم آتایان
مهدر محبت ای نایه را به این کنم - بر وادر حاکمان
همه رسد و بالین در یکس آهستم - اریدارم
به تبیانم به هر زودتر بادل خوش و شمار دور هم در
ایران مع تبیانم - با آتایان رضایه ای را
فرزند